

# مسئولیت جزایی اطفال

در حقوق جزای ایران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع انسانی  
-۴-

بخش دوم

اطفال ممیز غیر بالغ

قانونگذار ایران پانزده سالگی را سن بلوغ دانسته است بنابراین برای اطفالی که بین ۱۲ تا ۱۵ سال دارند علی‌الاصول مسئولیت قائل نشده است بلکه بمنظور ارباب و اخافه برای آنها مجازات شلاق قائل شده است بموجب ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی:

«اگر اطفال ممیز غیر بالغ که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند مرتکب جنحه

یا جنایتی شوند فقط به ده الی پنجاه ضربه شلاق محکوم میشوند ولی در يك روز زیاده از ده و در دو روز متوالی زیاده از پانزده شلاق نباید زده شود.»

آنچه در مورد این ماده نیز مانند ماده ۳۴ قابل بحث می باشد این است که:

الف- ملاک تشخیص قوه ممیزه در کودکانی که بین ۱۲ تا ۱۵ سال دارند چیست و قاضی چگونه می تواند طفلی را ممیز شناخته مطابق ماده ۳۵ مجازات کند؟ در پاسخ باید گفت با توجه به پیشرفتی که در روانشناسی و پزشکی قانونی حاصل شده است قاضی جزائی باید نظر متخصصین را در این زمینه بخواند و به آن توجه نماید.

قوانین جزائی کشورهای مختلف تشخیص قوه تمیز را نزد مجرم صغیر لازم میدانند و دادگاهها باید قبلاً موضوع قوه ممیزه را نزد مجرم حل کنند و در صورتیکه وجود این قوه نزد طفل بزهکار اثبات شد او را مجازات نمایند و در غیر اینصورت از مجازات معاف بدارند. متأسفانه قانون مجازات عمومی ایران کوچکترین اشاره ای به این موضوع نکرده است.

### ب- مسأله‌ی مجازات شلاق:

نکته‌ی دیگری که در مورد این ماده قابل ذکر است مسأله‌ی مجازات شلاق میباشد. درباره تأثیر شلاق زدن، بعنوان وسیله اخافه و ارعاب کودکان تردید بعمل آمده است چه مجازات پیش بینی شده در ماده ۳۵ نه تنها تأثیر مساعد در اصلاح حال کودک و جلوگیری از ارتکاب جرایم آتی از طرف او ندارد بلکه از نظر تأثیرات روانی نتیجه عکس دارد. زیرا گفته شده است:

«..... تنها يك چیز این انسان كوچك یعنی كودك را رنج میدهد و آن

اینکه اطرافیان‌ش تصور کنند او از مجازات شلاق هراسیده است. و یا خود را باخته است. این طفل برای اثبات اینکه هرگز و بهیچ کیفیت شهادت و شجاعت خود را از دست نمیدهد و صفت شجاعت برای او لایزال است، جرایم بعدی یکی پس از

دیگری توسط او بوقوع میبوند<sup>۱</sup>

بعلاوه روانشناسان عقیده دارند که در بعضی کودکان این احساس وجود دارد که در مقابل شدت عمل جری تر و لجوج تر میشوند. چنین کودکانی با آرامی و حتی با احساس غرور و برتری و افتخار مجازات را تحمل میکنند و برای اثبات وجود و شخصیت خود به بزهکاری‌های بیشتر مبادرت می‌ورزند.

### ج- سکوت قانونگذار در مورد خلاف:

مطلب دیگری که قابل ذکر میباشد این است که ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی فقط ناظر به جنحه یا جنایتی است که اطفال ممیز غیر بالغ که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند ممکن است مرتکب شوند و قانونگذار در مورد خلاف ساکت است. بنابراین میتوان گفت چنانچه کودکان ممیزی که بسن ۱۵ سال تمام نرسیده‌اند مرتکب خلاف شوند مشمول ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی نیستند و مشمول شناخته نمیشوند.

#### گفتار سوم

اطفال ۱۵ تا ۱۸ ساله

ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی چنین مقرر میدارد:

« اشخاص بالغ که سن آنها بیش از پانزده سال تمام بوده ولی به هیجده سال تمام نرسیده‌اند هرگاه مرتکب جنایتی شوند مجازات آنها حبس دردارالتأدیب است در مدتی که زائد بر پنج سال نخواهد بود اگر مرتکب جنحه شوند مجازات ایشان کمتر از نصف حداقل و زیاده‌تر از نصف حد اعلاای مجازات مرتکب همان جنحه نخواهد بود.»

این ماده ناظر به مجرمینی است که سن آنها از ابتدای ۱۶ سالگی تا پایان

۱- حقوق جزای عمومی تقریرات آقای دکتر محمد باهری ص ۲۳۱ سطر ۲ تا ۵

۱۸ سالگی است. این اطفال مسئولیت بیشتری از کودکان غیر بالغ دارند ولی مسئولیت آنها باندازه مسئولیت افراد کبیر (بیش از ۱۸ سال تمام) نیست. اگرچه شرایط تقصیر نزد این کودکان موجود است ولی چون سن آنها به هیجده سال تمام بالغ نگردیده است ملاحظه‌ی تربیتی ملحوظ می‌گردد.

### الف- آیا حبس در دارالتأدیب غیر از حبس تأدیبی است؟

در مورد ماده ۳۶ نکات زیر قابل توجه می‌باشد:

چون حداکثر حبس در دارالتأدیب پنج سال ذکر شده است ممکن است تصور شود که حبس در دارالتأدیب غیر از حبس تأدیبی باشد چه بموجب ماده ۱۲ ق.م.ع:

«مدت حبس تأدیبی از یازده روز تا سه سال است» ولی از طرف دیگر مطابق آراء دیوان کشور حبس تأدیبی و حبس در دارالتأدیب در عرض هم قرار دارند و نسبت یکدیگر باشد و اخف محسوب نمی‌شوند. مطابق رأی شماره ۱۲۹۳ شعبه ۵ دیوان کشور مورخ ۱۳۱۸/۶/۱۵:

«حبس تأدیبی و حبس در دارالتأدیب در عرض هم است و نسبت به یکدیگر اخف و اشد محسوب نمی‌شوند.»

دیوان کشور در رأی دیگری حتی حبس در دارالتأدیب را مشمول احکام حبس تأدیبی قرار داده است. مطابق رأی شماره ۱۶۹۸/۱۰ شعبه ۲ دیوان کشور مورخ- ۱۳۲۹/۵/۱۵ :

«حبس در دارالتأدیب در حکم حبس تأدیبی است و بنابراین حداقل مجازات اطفال بین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام که مرتکب بزه جنائی میشوند همان یازده روز حبس در دارالتأدیب است.» و نیز مطابق رأی شماره ۹۶۴۵/۴۲۳ شعبه ۲ دیوان کشور

مورخ ۱۳۱۶/۲/۲۸ «حبس در دارالتأديب نیز تا مدت دو ماه قابل خریداری است چه این حبس نیز در ردیف حبس تأدیبی است.»  
 بهر حال با توجه به تفسیر دیوان کشور در مورد حداکثر مجازات مقرر در ماده ۳۶ اشکال پیش می‌آید.

### ب- حداقل مجازات:

در مورد حداقل مجازات با توجه به تفسیر دیوان کشور که حداقل مجازات حبس در دارالتأديب را مانند حبس تأدیبی یازده روز دانسته است بنا بر این حداقل مجازات اشخاصی که سن آنها از ۱۵ سال بیشتر و از ۱۸ سال تمام کمتر است و مرتکب جنایتی شده‌اند یازده روز حبس در دارالتأديب خواهد بود. در صورتیکه هرگاه همین اشخاص مرتکب جنحه شوند حداقل مجازات آنها کمتر از نصف حد اقل مجازات همان جنحه خواهد بود در نتیجه ممکن است گاهی مجازات جنحه سنگین‌تر و شدیدتر از مجازات جنایت باشد؟

### بموجب ماده‌ی ۳۷ قانون مجازات عمومی

«اشخاص مذکور در ماده قبل هرگاه مرتکب جرمی شوند اگر چه جرم ایشان جنایت باشد در محکمه‌ی جنحه محاکمه میشوند مگر نه آنکه شریک یا معاون آنها بر حسب اقتضای سن باید در محکمه‌ی جنائی محاکمه شوند که در اینصورت هر دو در محکمه‌ی جنائی محاکمه خواهند شد.»

### ج- مرجع تجدید نظر از حکم محکمه‌ی جنحه:

نکته قابل توجه در ماده فوق این است که مرجع تجدید نظر از حکم محکمه‌ی جنحه (در موردیکه صغیر مرتکب جنایت شده باشد) محکمه‌ی استیناف است یا محکمه تمیز؟  
 در این مورد علمای حقوق اختلاف دارند دسته‌ای معتقدند که اگر عملی که

صغیر مرتکب شده جنایت باشد محکمه‌ی جنحه در این مورد بمنزله محکمه جنائی است و مرجع شکایت از حکم آن دیوان تمیز خواهد بود ولی اگر عمل ارتكابی جنحه باشد باید بدادگاه استیناف رجوع کرد.

دسته دوم بر آنند که بطور کلی مرجع شکایت از احکام محاکم جنحه، استیناف است اگرچه در مورد دسته‌ای از متهمین جنائی محکمه‌ی جنحه استثنائاً حق رسیدگی داشته باشد.

بنظر ما در این مورد میتوان چنین اظهار نظر کرد که: چون بر حسب اطلاق قانون محکمه‌ی جنائی بطور کلی مرجع رسیدگی به احکام، محکمه‌ی جنحه میباشد، هر چند موضوع رسیدگی محکمه‌ی جنحه يك امر جنائی باشد بازم علی‌الاصول مرجع شکایت از حکم محکمه‌ی جنحه همان محکمه‌ی استیناف میباشد.

مطابق قسمت آخر ماده ۳۷ در صورتیکه اطفال ۱۵ تا ۱۸ ساله مرتکب جنایت شوند و شریک یا معاون آنها بیشتر از ۱۸ سال داشته باشد و بر حسب اقتضای سن باید در محکمه‌ی جنائی محاکمه شود در این مورد شخص ۱۵ تا ۱۸ ساله هم در محکمه‌ی جنائی محاکمه خواهد شد.

انتقاد: قسمت آخر ماده ۳۷ قانون مجازات عمومی مخالف ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی کیفری میباشد زیرا طبق ماده ۱۹۸ آ. د. ك:

«شرکاء و معاونین مجرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت حکم درباره مجرم اصلی دارد.»

علاوه بر تناقضی که ماده ۳۸ ق. م. ع با ماده ۱۹۸ آئین دادرسی کیفری دارد اصولاً حضور اطفال صغیر در دادگاه جنائسی با توجه به تشریفات رعب‌آوری که دارد از نظر اخلاقی و تربیتی صحیح بنظر نمیرسد<sup>۱</sup>

۱- در نقاطی که دادگاه اطفال تشکیل شده است این شکل وجود ندارد.

### گفتار چهارم

#### احکام تکرار جرم در مورد اطفال

برابر ماده ۳۸ ق. م. ع نسبت باشخاص مذکور در مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ حکم تکرار جرم جاری نمیشود زیرا ماده ۳۸ چنین مقرر میدارد:

«احکام تکرار جرم که در فصل پنجم این باب مذکور است نسبت به اطفال و اشخاص مذکور در فوق جاری نمیشود.»

عبارت (اشخاص مذکور در فوق) مندرج در ماده ۳۸ قابل انتقاد است زیرا شامل شرکاء و معاونین کبیر مجرم صغیر هم میشود و ممکن است این قبیل اشخاص ادعا کنند که باستناد ماده ۳۸ احکام تکرار جرم نسبت به آنها نیز جاری نمیشود و حال آنکه مقصود قانون‌گذار از استعمال عبارت (اشخاص مذکور در فوق) فقط صغار مندرج در مواد بالا بوده است.

### گفتار پنجم

#### تشخیص سن واقعی

بموجب ماده ۳۹ مجازات عمومی محکمه باید سن واقعی متهم را تشخیص بدهد و در صورتیکه نتواند سن واقعی او را تشخیص دهد قدر متیقن سن مناط حکم دادگاه خواهد بود. چه ماده مزبور چنین مقرر میدارد:

«در صورتیکه محکمه نتواند سن واقعی متهم را تشخیص دهد قدر متیقن سن مناط حکم خواهد بود.»

این ماده محتاج به توضیحات ذیل است:

اولاً - در تشخیص سن نمیتوان صرفاً به شناسنامه اکتفا کرد مگر آنکه ظاهر حال و قیافه طفل مخالفتی با مدلول شناسنامه نداشته باشد. بنابراین به درستی جثه و هیکل طفل و اندازه قد او نمیتوان اکتفا نمود و در صورت تردید باید به پزشک قانونی مراجعه و نظر او خواسته شود.

ثانیاً - هرگاه مدعی خصوصی در مورد سن متهم اظهار نظر نماید اظهارات

او قاطع نیست. مثلاً اگر مدعی خصوصی سن متهم را سیزده ساله اظهار نماید در صورتیکه هفده ساله بنظر بیاید نمیتوان باظهارات مدعی اکتفا نمود زیرا ممکن است مدعی خصوصی تطمیع شده باشد و سن متهم را کمتر از حدیکه استحقاق مجازات دارد بگوید و یا برعکس در نتیجه حس انتقام سن متهم را زیادتر از سن حقیقی او ادعا نماید.

### بخش چهارم

#### مقررات قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهار

مقررات پیش‌بینی شده در قانون مجازات عمومی ایران، با اهمیتی که در دنیای امروز برای مسالهی بزکاری اطفال قائل میشوند سازگار نیست و با پیشرفتهائی که در زمینه رشته‌های آموزش و پرورش و علوم اجتماعی حاصل شده است تطبیق نمیکند. بنابراین قانونگذاران ما از چندین پیش‌درصدد برآمدند که در مورد بزکاری اطفال تدابیر دیگر اتخاذ کنند و مقرراتی وضع نمایند که هم با دنیای امروز سازگار باشد و هم به اصلاح حال کودکان مجرم کمکی نماید. بهمین جهت در سال ۱۳۳۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهار تصویب شد.

این قانون نسبت بمقررات پیش‌بینی شده در قانون مجازات عمومی پیش‌رفته‌تر است و پیش‌بینی‌های سودمندی در بهبود حال و شکل محاکمهی آنان کرده است. این قانون برای اطفال بزهار تا ۱۸ سال تمام مسئولیت جزائی قائل نشده است.

### گفتار اول

#### اقدامات قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهار

اقداماتی که در باره اطفال بزهار بعمل می‌آید بیشتر جنبه تسریتی و احتیاطی دارد. این اقدامات در دو مرحله صورت می‌گیرد:



الف - مرحله‌ی اول -

این مرحله از آغاز هفت سالگی تا پایان دوازده سالگی است. قبل از رسیدن به سن هفت سالگی اطفال قابل تعقیب جزائی نخواهند بود هرچند مرتکب جرم شده باشند. قسمت آخر ماده ۴ قانون مزبور چنین مقرر می‌دارد:

«اطفال تا ۶ سال تمام قابل تعقیب جزائی نخواهند بود»

مطابق ماده ۱۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهار:

«در مورد اطفالی که سن آنها بیش از ۶ سال تمام و تا ۱۲ سال تمام است در صورتیکه مرتکب جرمی شوند برحسب مورد تضمیمات زیر اتخاذ خواهد شد:

۱- تسلیم باولیاء یا سرپرست با اخذ تعهد بتأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق.

۲- اعزام بکانون اصلاح و تربیت برای مدت از یکماه تا شش ماه (درمواردیکه بجهتی از جهات ولی یا سرپرست صلاحیت ندارد و یا الزام او بتأدیب و تربیت مواظبت در حسن اخلاق ممکن نباشد)

بر این ماده نیز همان انتقادی وارد است که بر ماده ۳۴ ق. م. و. ع نیز وارد بود. زیرا الزام اولیاء بتأدیب و تربیت طفل دارای هیچگونه ضمانت اجرایی نیست.

ب. مرحله‌ی دوم: این مرحله از آغاز سیزده سالگی تا پایان هیجده سالگی می‌باشد.

مطابق ماده ۱۸ قانون تشکیل داده اطفال بزهار «درمورد اطفالی که بیش از ۱۲ سال تمام و تا ۱۸ سال تمام دارند هرگاه مرتکب جرمی شوند برحسب مورد تضمیمات زیر اتخاذ خواهد گردید:

۱- تسلیم باولیاء یا سرپرست با اخذ تعهد بتأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل.

- ۲- سرزنش و نصیحت بوسیله قاضی دادگاه .
- ۳- اعزام بکانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یکسال.
- ۴- اعزام به زندان کانون اصلاح و تربیت در مورد اطفالی که سن آنان بیش از ۱۵ سال تمام است از شش ماه تا ۵ سال.
- تبصره تصمیم اخیر در موردی اتخاذ میشود که طفل مرتکب جنایتی گردیده باشد. چنانکه مجازات آن جنایت اعدام و یا حبس مؤبد باشد مدت زندان کمتر از دو سال نخواهد بود.»

این ماده محتاج توضیحات ذیل است:

اولاً مطابق بند ۴ از همین ماده قاضی نمیتواند اطفال کمتر از ۱۵ سال تمام را به زندان کانون اعزام دارد.

ثانیاً: مطابق تبصره‌ی همین ماده اعزام اطفال بیش از ۱۵ سال به زندان در صورتی ممکن خواهد بود که طفل بزهکار مرتکب جنایتی شده باشد.

ثالثاً: اگر مجازات جنایاتی که اطفال بیش از ۱۵ سال مرتکب میشوند اعدام یا حبس ابد باشد مدت زندان نباید کمتر از دو سال باشد یعنی قاضی نمیتواند کمتر از دو سال حکم دهد.

رابعاً: حد اکثر مدتی که قاضی میتواند کودکان بزهکار بیش از ۱۵ سال را که مرتکب جنایت شده‌اند به زندان کانون اعزام دارد پنجسال است.

## گفتار دوم

### حکم شرکت یا معاونت اطفال در ارتکاب جرم

بموجب ماده ۱۴ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار:

«در صورتیکه يك یا چند طفل بشرکت اشخاص دیگر مرتکب جرم شده یا در ارتکاب جرم معاونت کرده باشند فقط بجرائم اطفال در دادگاه اطفال رسیدگی

خواهد شد»

در مورد این ماده توضیحات ذیل ضروری بنظر میرسد:  
اولاً مقصود قانون‌گذار از عبارت (اشخاص دیگر) اشخاص بالغ بیش از ۱۸ سال تمام است.

ثانیاً: این ماده مخالف ماده ۱۹۸ قانون آئین داد رسی کیفری و ناسخ آن می‌باشد. از طرفی باروحیه اطفال از نظر اخلاقی و تربیتی سازگارتر است.

### گفتار سوم

آیا مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون کیفر عمومی لغو شده است؟

ماده ۳۱ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهارک چنین مقرر می‌دارد:  
«در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل می‌گردد مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون کیفر عمومی لغو می‌شود.»

در این مورد توضیحات ذیل ضروری بنظر میرسد:  
اولاً: چون هنوز در تمام نقاط قانون اصلاح و تربیت تشکیل نگردیده است بنا بر این از خود ماده ۳۱ استنباط می‌شود که مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون مجازات عمومی در نقاطی که قانون تشکیل نگردیده است بقوت خود باقی است.  
ثانیاً: قسمت آخر ماده ۱ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهارک نیز صراحت دارد بر اینکه در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل نگردیده طبق قانون مجازات عمومی تعیین کیفر خواهد شد.

بنابر این در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت هنوز دایر نشده است مواد ۳۴ و ۳۵ و ۳۶ و ۳۷ قانون مجازات عمومی کماکان بقوت خود باقی می‌باشد.

بایان